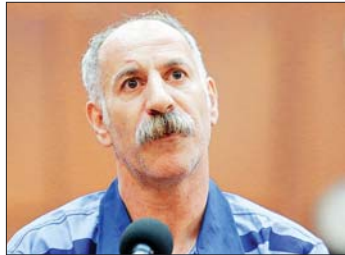


روزنه

**دومین جلسه رسیدگی به پرونده دادنه گلستان هفتم**

● **ایلنا:** دومین جلسه رسیدگی به اتهامات «م. ن» متهم پرونده حادثه خیابان پاسداران تهران، روز گذشته در شعبه ۹ دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی محمدی‌کشکولی برگزار شد. در ابتدای این جلسه، قاضی گفت: «تغییر جدیدی در پرونده ایجاد شده و متهم، وکیل تعیینی معرفی کرده است و دادگاه از وکیل تعیینی خواهش کرد که در جایگاه قرار بگیرد و اگر دفاعیاتی دارد بخواند.»

سعید اشرف‌زاده به‌عنوان وکیل تعیینی گفت: به دلیل اینکه فی‌المجلس قبول وکالت کردم، برای دفاع احتیاج به مطالعه پرونده دارم. اگر دادگاه موافقت کند، در این جلسه وکیل تسخیری در صورت داشتن آمادگی دفاعیات خود را بخواند و من در آینده دفاعیات خود را بعد از مطالعه پرونده ایراد کنم. قاضی محمدی هم بعد از تنفس گفت که وکیل تسخیری بعد از معرفی وکیل تعیینی دیگر نمی‌تواند دفاع کند. تاکنون تمام تشریفات آیین دادرسی کیفری رعایت شده است. اگر اکنون بعد از معرفی وکیل تعیینی، نماینده دادستان یا نماینده حقوقی ناجا مطلبی دارند، ایراد کنند». سپس از قاضی شهرداری دعوت کرد تا در جایگاه قرار بگیرد.



قاضی شهرداری با اشاره به اینکه تاکنون تمام تشریفات آیین دادرسی کیفری رعایت شده است، عنوان کرد: «ساده‌لوحانه است اگر بر اساس اظهارات متهم بگویم که عصبیت دلیل حمله به مأموران نیروی انتظامی بوده است. در آن شب دو خودروی دیگر هم به مأموران نیروی انتظامی به همین شکل حمله کردند. حتی خودروی سمنه به صورت رفت‌وبرگشت به مأموران نیروی انتظامی حمله کرد؛ آنها که کتک نخورده بودند، برای چه این کار را کردند».

نماینده دادستان افزود: «این حرکات نشان می‌دهد که از قبیل برای چنین برخوردی برنامه‌ریزی داشتند. اتوبوس مدت ۱۵ روز بود که در محل پارک شده و مرکز تصمیم‌گیری بود. مالک اتوبوس و شخصی که از آن دعوت کرده است جزء بازداشت‌شدگان هستند».

او با اشاره به اظهارات متهم در مورد اینکه متوجه کار خود نبوده است، گفت: «فیلم اقدام این فرد موجود است و مشخص است که با اختیار و علم اتوبوس را به سمت چپ و راست و به سمت مأموران هدایت می‌کند. حتی توقف او ارادی نبوده، بلکه بعد از برخورد با مانع متوقف شده است. متهم بعد از اینکه پیاده شد، از سوی افرادی که در آنجا حضور داشتند و عصبی بودند مورد ضرب‌وشتمن قرار گرفته است. ایشان تنها کسی بودند که در آنجا گواهی‌نامه پایه‌یک داشته. به چه دلیل آنجا حضور داشتند. ایشان از سلامت روانی کامل برخوردار است که این موضوع مورد اقرار شخص ایشان هم هست و پزشکی قانونی هم بر آن صحه گذاشته». در پایان، دادگاه با تقاضای استمهال وکیل متهم پرونده موافقت و رئیس شعبه اعلام کرد جلسه بعدی رسیدگی ۲۷ اسفند برگزار خواهد شد.

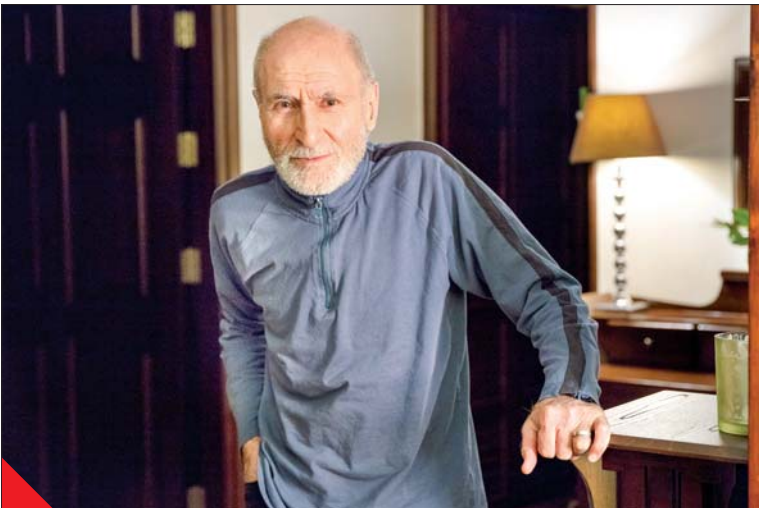
**موافقت با درخواست استمهال معقولانه بود**  
سرپرست دادرسی جنایی تهران همچنین در حاشیه جلسه دادگاه در رابطه با درخواست استمهال وکیل «م. ن» گفت: «بعد از تعیین وکیل تعیینی، ایشان به دلیل نبود وقت برای مطالعه پرونده، درخواست و تقاضای استمهال کردند که معقولانه بود که این فرصت در اختیار وکیل قرار گیرد. اینکه دادگاه چقدر برای مطالعه پرونده وقت بدهد، به اختیار خودش است. دادگاه می‌توانست کمتر فرصت بدهد که به‌رحال یک هفته مهلت داد. برای رعایت بهتر حقوق متهم قبول درخواست کار خوبی بود».

قاضی محمد شهرداری، با اشاره به اینکه باید موضوع سازماندهی شده‌بودن حمله به مأموران نیروی انتظامی با خودروی مورد بررسی قرار گیرد، عنوان کرد: «خودروی سمنه از جلوی خانه قطب درواش بیرون آمد و عمل مجرمانه را انجام داد. متهم تنها کسی بوده که گواهی پایه‌یک داشته است. راننده اتوبوس اعلام کرده بود که جای پارک پشت مأموران بوده و این یعنی خودرو را برای حمله به مأموران جابه‌جا کرده است».

او در مورد پرونده دو راننده دیگر حوادث خیابان پاسداران، افزود: «مدت طول درمان مصدومان آن پرونده هنوز مشخص نشده است و بعد از مشخص شدن، دادسرا طبق قانون به تکلیف خود عمل می‌کند».

قاضی شهرداری همچنین درباره اینکه پرونده زهرا کاظمی در دادرسی جرائم جنایی مفتوح است یا خیر، گفت: «من واقعا از این موضوع اطلاعی ندارم».

**از استعفا در مجلس ششم هیچ نتیجه‌ای نگرفتیم**



عینی، رونق‌رستمی، بیروق

بی‌تفاوت می‌شوند. نتیجه بی‌تفاوتی مردم هم می‌شود شورای شهر دوم تهران که اصولگراها با کمتر از ۱۸۰ هزار رای برنده شدند! ایده‌آل تندرخوا هم همین است که همه مردم استدلال‌های شما را بپذیرند و در انتخابات شرکت نکنند تا آنها پیروز شوند؛ بنابراین ابزار آنها نامیدی مردم از رای دادن است و ابزار اصلاح‌طلبان تشویق مردم به مشارکت در انتخابات و از این طریق به صورت مداوم، ولو میلی‌متری رو به جلو حرکت‌کردن.

امروز که من تاکید دارم، باب گفت‌وگوی ملی باید باز شود، به این دلیل است که برای کشور، ملت و حتی نظام احساس خطر می‌کنم. احساس می‌کنم اوضاع کشور خوب نیست، در طیف‌های دیگر بسیاری هستند که به منافع ملی می‌اندیشند؛ بنابراین زمینه گفت‌وگو را فراهم‌تر می‌بینم. متأسفانه برخی از طیف‌ها همچنان امیدوارند که روحانی در این سه‌ساله و اندی باقی‌مانده شکست بخورد، مردم مایوس پای صندوق رای نبایند، آنها برنده انتخابات بعدی شوند و به مبارکی! خودشان مسائل کشور را حل کنند! در پاسخ به این طرز فکر باید گفت اولاً در سه سال ممکن است خیلی فرصت‌ها از دولت رفته و «زود دیر» شود. ثانیاً، اگر روحانی معتدل و میانه‌رو نتواند از نتایج برنامه استفاده کرده و سرمایه خارجی را وارد کشور کند، قطعاً یک دولت تندرو به‌هیچ‌وجه این توفیق را نخواهد داشت. اگر این استدلال را قبول کنند، آن زمان می‌توان باب گفت‌وگو را باز کرد. در آن صورت می‌توان درباره شرایط و چگونگی این گفت‌وگو فکر کرد. اینکه اصلاح‌طلبان و معتدلین از بعضی شعارهای خود کوتاه بیایند و تندرخوا هم همین‌طور تا کشور دچار بحران نشود، منافع ملی لطمه نیند و نظام با مشکلات جدی روبه‌رو نشود. من اصل نظام را قبول داشته و به وضع موجود آن معترضم؛ بنابراین موافق بروز مشکلات برای آن نیستم. ممکن است که شما هیچ نشانه‌ای در تندرخوا مبنی بر تغییر و میل به گفت‌وگو مشاهده نکنید. در این شرایط راه دیگری برای اصلاح‌طلبان باقی نمی‌ماند؛ مگر همان تاکید بر روش‌های اصلاحی و خطراتی که کشور، ملت و نظام را تهدید می‌کند. در نهایت هم تاکید می‌کنم که اگر از این مسیر، یعنی راه تدریجی اصلاح و شرکت در انتخابات مایوس شویم، من راه جایگزینی ندارم. از من سؤال کردید که ۲۰ سال فرایند تدریجی طی شده و نتیجه‌ای در بر نداشته و راه جایگزینی که من پیشنهاد می‌دهم، چیست. باید بگویم راه جایگزین ندارم؛ جز تداوم این راه. اگر می‌گویند این راه درست نیست، پیشنهاد شما چیست؟ همان راهی است که هفت تا ۱۲ دی طی شد؟ آیا راه‌حل مشکل ما همان اقداماتی بود که در آن بازه زمانی صورت گرفت؟

**کتاب بخشی از اعتراض بود که خود را به آن شکل از**  
خشونت نشان داد.  
خب، راه درست شما چیست؟  
**ک** من که الان در حضور شما در نقش فعال سیاسی نیستم که بخواهم راه‌حل پیشنهاد بدهم. خیر؛ منظور من، شمای نوعی هستید. اینکه مخالفان این‌راه تدریجی چه راه جایگزینی را پیشنهاد می‌دهند؟ بله؛ یک عده پیشنهاد رفراندوم را مطرح کرده‌اند که به نظر می‌رسد شعار باشد. حرف تندزدن، کار مهمی نیست. مهم این است که بتوان پیشنهادی داد که حتی با احتمال کم، اجراسدنی باشد؛ وگرنه می‌شود حرف تند زد. مثلاً بگویم باید قانون اساسی تغییر کند. این پیشنهاد چگونه محقق خواهد شد؟ آیا غیر از این است که قانون اساسی یا از راه انقلاب و براندازی می‌تواند تغییر کند؟ خیر؛ البته یک راه دیگر هم وجود دارد و آن رجوع به سازوکاری است که در خود قانون اساسی وجود دارد که آن هم ممکن است از راه گفت‌وگو و «سازش» پیش برود.

**ک** آقای نبوی، شما تندترین مسیرها را پیشنهاد می‌دهید!  
**ک** شما مقطعی مثل مجلس ششم را در نظر بگیرید؛ در برابر رصلاحیت‌های گسترده، اعتراض می‌کنید و استعفا می‌دهید...  
بله؛ این راه هم می‌شود. ولی من هیچ نتیجه‌ای نگرفتم. من خودم جزء کسانی بودم که در آن حرکت (تحصن و استعفا) حضور داشتم. به جرئت می‌گویم آن حرکت هیچ نتیجه عینی و ملموسی نداشت؛ حتی همفکران ما که برای مجلس هفتم کاندیدا شده و رصلاحیت هم نشدند. در انتخاباتی که اداره آن بر عهده دولت اصلاحات بود، رای نیاوردند. نتیجه چه شد؟ ۳۰ کاندیدای اصولگرا (از تهران) وارد مجلس هفتم شدند. این نشان می‌دهد مردم الزاماً به تندترین حرف‌ها رای نمی‌دهند

**ک** اگر قرار است گفت‌وگویی صورت گیرد، باید مشخص شود با چه مخاطبی باید گفت‌وگو شود که نتیجه‌بخش باشد...  
کسانی که به خاطر منافع جناحی و گروهی مانع تحقق اهداف اصلاحی و اعتدالی هستند یا اینکه مصلحت و منافع کشور و ملت را در مخالفت با تحقق این اهداف می‌دانند. به‌همین دلیل گفت‌وگوی ملی هم باید پیش از هر چیز بر تعریف مشترک از منافع کشور و ملت برسد و طیف‌ها را از دنبال‌کردن منافع جناحی بازدارد.

**ک** خب اگر این جریان‌ها قرار بود تن به گفت‌وگو بدهند، در نحوه برخوردها و روش‌های خود تغییراتی ایجاد می‌کردند یا حتی اگر رای مردم در انتخابات‌های اخیر را مدنظر قرار می‌دادند، به‌عنوان ملاکی برای تغییر از آن بهره می‌بردند؛ ولی وقتی این تغییرات ایجاد نشده؛ یعنی علاقه‌مندی مبنی بر تغییر در آنها دیده نمی‌شود. حالا ما مدام بر گفت‌وگو تاکید کنیم، به نظر می‌رسد این بحث بیشتر شبیه شعار است.

من هم بحث گفت‌وگو ملی را نه به‌عنوان یک شعار، بلکه به‌عنوان یک ضرورت ملی به‌تازگی مطرح کرده‌ام. شما می‌گویید آنها به رای مردم توجه نمی‌کنند. آنها اصلاح‌طلبی و میانه‌روی را رقیب خود یا مخالف منافع ملی می‌دانند و به‌همین دلیل باید برای حفظ منافع کشور، ملت و نظام به هر شکل ممکن وارد تعامل و گفت‌وگو شد و به تحلیل و مواضع مشترک دست یافت. متأسفانه با همین دست استدلال‌هایی که شما مطرح می‌کنید، مردم را به‌تدریج درباره توفیق اصلاح‌طلبی و میانه‌روی ناامید می‌کنید. همان‌طور که ترامپ به مخالفان داخلی برجسام کمک می‌کند که زیرآب برنامه را بزنند، در درون ما نیز جریاناتی که روزی عبور از خاتمی و روزی دیگر پیشیمانی از رای به روحانی را مطرح کردند و روزی هم شعار «اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» سر دادند، خواسته یا ناخواسته در زمین تندرخواهی بازی می‌کنند که قصد آنها شکست اعتدال و اصلاحات است. قصد آنها این است که به مردم بگویند رای شما خاصیتی ندارد و وقتی مردم رای خود را بی‌خاصیت دانستند،

آن حرکت هیچ نتیجه عینی و ملموسی نداشت؛ حتی همفکران ما که برای مجلس هفتم کاندیدا شده و رصلاحیت هم نشدند. در انتخاباتی که اداره آن بر عهده دولت اصلاحات بود، رای نیاوردند. نتیجه چه شد؟ ۳۰ کاندیدای اصولگرا (از تهران) وارد مجلس هفتم شدند. این نشان می‌دهد مردم الزاماً به تندترین حرف‌ها رای نمی‌دهند. ما هرچه را در انتخابات ۹۴، موج رصلاحیت‌ها خیلی بیشتر از میلی‌متری رو به جلو حرکت‌کردن.

امروز که من تاکید دارم، باب گفت‌وگوی ملی باید باز شود، به این دلیل است که برای کشور، ملت و حتی نظام احساس خطر می‌کنم. احساس می‌کنم اوضاع کشور خوب نیست، در طیف‌های دیگر بسیاری هستند که به منافع ملی می‌اندیشند؛ بنابراین زمینه گفت‌وگو را فراهم‌تر می‌بینم. متأسفانه برخی از طیف‌ها همچنان امیدوارند که روحانی در این سه‌ساله و اندی باقی‌مانده شکست بخورد، مردم مایوس پای صندوق رای نبایند، آنها برنده انتخابات بعدی شوند و به مبارکی! خودشان مسائل کشور را حل کنند! در پاسخ به این طرز فکر باید گفت اولاً در سه سال ممکن است خیلی فرصت‌ها از دولت رفته و «زود دیر» شود. ثانیاً، اگر روحانی معتدل و میانه‌رو نتواند از نتایج برنامه استفاده کرده و سرمایه خارجی را وارد کشور کند، قطعاً یک دولت تندرو به‌هیچ‌وجه این توفیق را نخواهد داشت. اگر این استدلال را قبول کنند، آن زمان می‌توان باب گفت‌وگو را باز کرد. در آن صورت می‌توان درباره شرایط و چگونگی این گفت‌وگو فکر کرد. اینکه اصلاح‌طلبان و معتدلین از بعضی شعارهای خود کوتاه بیایند و تندرخوا هم همین‌طور تا کشور دچار بحران نشود، منافع ملی لطمه نیند و نظام با مشکلات جدی روبه‌رو نشود. من اصل نظام را قبول داشته و به وضع موجود آن معترضم؛ بنابراین موافق بروز مشکلات برای آن نیستم. ممکن است که شما هیچ نشانه‌ای در تندرخوا مبنی بر تغییر و میل به گفت‌وگو مشاهده نکنید. در این شرایط راه دیگری برای اصلاح‌طلبان باقی نمی‌ماند؛ مگر همان تاکید بر روش‌های اصلاحی و خطراتی که کشور، ملت و نظام را تهدید می‌کند. در نهایت هم تاکید می‌کنم که اگر از این مسیر، یعنی راه تدریجی اصلاح و شرکت در انتخابات مایوس شویم، من راه جایگزینی ندارم. از من سؤال کردید که ۲۰ سال فرایند تدریجی طی شده و نتیجه‌ای در بر نداشته و راه جایگزینی که من پیشنهاد می‌دهم، چیست. باید بگویم راه جایگزین ندارم؛ جز تداوم این راه. اگر می‌گویند این راه درست نیست، پیشنهاد شما چیست؟ همان راهی است که هفت تا ۱۲ دی طی شد؟ آیا راه‌حل مشکل ما همان اقداماتی بود که در آن بازه زمانی صورت گرفت؟

**ک** نتیجه ورود این ۳۰ نفر چه بوده است؟  
یعنی شما می‌گویید مجلس هفتم بهتر از این مجلس بود؟! اگر منظور شما این است که من دیگر بختی ندارم؛ بله؛ یک راه هم این است که همه چیز را رها کنیم و برویم در خانه‌های خود بنشینیم. شما

می‌گویید راه‌های تند را قبول ندارید...  
**ک** برخی بر این باورند که در هر شرایطی نباید در انتخابات شرکت کرد.

شرکت نکنند. شرکت‌نکردن چه خاصیتی داشت؟ می‌گویم ما در انتخابات مجلس هفتم شرکت نکردیم، چه اتفاقی افتاد؟ چه نتیجه‌ای گرفتیم؟ من برای شما انتخابات مجلس هفتم و دهم را مقایسه کردم. اصلاح‌طلبان در انتخابات دور هفتم، اصلاح‌طلبان رصلاحیت‌نشده که در راستان آقای کروبی بود، فهرستی ۳۰نفره برای تهران دادند که هیچ‌کدام رای نیاوردند. آرای مردم را هم آقای موسوی‌لاری که وزیر کشور بود، شمارش می‌کرد. ولی در انتخابات ۹۴ با وجود اینکه هیچ‌کس باقی‌نمانده بود و از طریق اینترنت فهرستی عمدتاً از افراد ناشناس تهیه شد، همه آنها رای آوردند. شما می‌گویید معلوم است آن‌موقع (مجلس هفتم) هیچ‌کس نبود که مردم رای بدهند! مگر آقای کروبی نامزد نبود؟ او رئیس مجلس ششم بود. بگذاریم، اگر راهی دارید، پیشنهاد دهید. راه‌های ما، یا سیاست جبهه ملی دوم است؛ یعنی سیاست صبر و انتظار؛ یعنی کنار بکشیم و در گوشه‌های بنشینیم تا شاید شرایط تغییر کرد و فضا بازتر و امکان تغییر قانون اساسی فراهم شود. داخل پرازنز بگویم که البته همان‌طور که پیش‌تر گفتم، طرف مقابل هم از تغییر قانون اساسی استقبال می‌کند. آنها علاقه دارند با تغییر قانون اساسی، سیستم ریاستی را به پارلمانی تغییر دهند تا از این راه، مواجهه خود را با مردم کمتر کنند؛ یعنی فقط در انتخابات مجلس بخواهند اعمال نظر کنند و مجلسی کنترل‌شده‌تر شکل بگیرد و آن مجلس هم یک رئیس‌جمهور کم‌قدرتر از امروز انتخاب کند.

**ک** که شما توصیه نمی‌کنید؟  
من سیاست صبر و انتظار را قبول ندارم؛ چون معتقدم شرایط به گونه‌ای است که می‌توان فعالیت کرد. ممکن است نتایج دلخواه ما حاصل نشود و بسیاری کند که سمت اهداف اصلاحی پیش برویم؛ اما این روش به‌مراتب بهتر از نشستن در کنج خانه است. قبلاً هم بحث کردیم که انقلاب و براندازی را نه من قبول دارم و نه شما. تکلیف دخالت خارجی هم روشن است؛ چون تجربه شده، هیچ‌کدام از ما آن را قبول نداریم. اگر این سه راه‌برد را قبول نکنیم، تنها راهی که باقی می‌ماند، راه اصلاحات است؛ یعنی همین حرکت «سازش‌کارانه» و «محافظه‌کارانه» که به قول شما ۲۰ سال است توانسته کاری بکند!

رویداد

**محاکمه زیباکلام به جرم تبلیغ علیه نظام**

● **شرق:** صادق زیباکلام، استاد دانشگاه تهران که دادستان به اتهام تبلیغ علیه نظام و نشر اکاذیب علیه او اعلام جرم کرده بود، روز گذشته در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی محاکمه شد.

او بعد از جلسه دادگاه به ایلنا، گفت: من مصاحبه‌ای با رادیو آلمان درباره نآرامی‌های دی‌ماه ایران داشتم که دادستانی با استناد به بخش‌هایی از این مصاحبه جرم تشویش اذهان عمومی و تبلیغ علیه نظام را به بنده منتسب کردند و بعد از جلسات بازپرسی در دادسرای فرهنگ و رسانه، علیه من کیفرخواست صادر شد. این استاد دانشگاه ادامه داد: «هفته گذشته به صورت تلفنی احضار شدم، کیفرخواست برای من خوانده و تفهیم اتهام شدم و همان روز اعلام کردند که جلسه رسیدگی هفته آینده یعنی روز دوشنبه، ۲۱ اسفند است». زیباکلام افزود: «در این جلسه بنده ضمن ارائه لایحه دفاعیه اعلام کردم که جرم تبلیغ علیه نظام نمی‌تواند منتسب به من باشد. زیرا من تمام تلاش خود را در زمان انتخابات کرده‌ام که مردم پای صندوق‌های رای بیایند و رای دهند. اگر من قصد تبلیغ علیه نظام داشتم، چرا دشمنان واقعی نظام به من حمله می‌کنند و می‌گویند تو سوپاپ اطمینان نظام هستی؟»

او گفت: «نماینده دادستان خطاب به قاضی دادگاه گفت از آنجایی که این شخص دو بار به این جرم محکوم شده است، باید اشد مجازات راجع به او اعمال شود. به من اعلام شده است که امروز (سه‌شنبه) برای دریافت حکم خود به شعبه مراجعه کنم که این سرعت کار برای من بسیار عجیب است».

زیباکلام همچنین از دیدار هفته گذشته خود با قاضی صلواتی خبر داده بود. او گفته بود: «در همراه هم مشابه همین پرونده به دلیل مصاحبه با رادیو آلمان علیه من تشکیل شد که محاکمه‌ام در مجتمع کارکنان دولت برگزار شد و به چهار میلیون تومان جزای نقدی محکوم شدم اما با اینکه اتهام همان است، این‌بار پرونده‌ام به دادگاه انقلاب فرستاده شده است».

او همچنین عنوان کرد از آنجا که اتهامش سیاسی است، ضرورتی برای حضور وکیل نمی‌بیند و وکیل به دادگاه معرفی نکرده است.



**میزبان امن داده‌های شما در مرکز داده آسیاتک Asiatech Data Center**

با امکان ارایه یونیت، رک و کیج اختصاصی و نیز اجاره سرور مجازی و اختصاصی

۱۵۴۴

asiatech.ir

**آسیاتک**  
اینترنت یک، آسیاتک